رضاپور میرصالح، یاسر؛ آریانپور، حمیدرضا؛ امینی، راضیه؛ فلاح، طاهره (۱۳۹۹). اثربخشی درمان وجودی بر بخشش زناشویی و عملکرد خانواده در زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی.
پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۱۰(۲)،۱۲۲-۱۰۵.
DOI: 10.22067/tpccp.2021.36339.0

اثربخشی درمان وجودی بر بخشش زناشویی و عملکرد خانواده در زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی

یاسر رضاپور میرصالح[۱]، حمیدرضا آریانپور[۲*]، راضیه امینی[۳]، طاهره فلاح[۴]

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۳ نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی تأثیر درمان وجودی بر بخشش زناشویی و عملکرد خانواده در زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی انجام شد.

روش: پژوهش حاضر در چارچوب یک مطالعهٔ آزمایشی تک موردی در چهار زن آسیب‌دیده از خیانت عاطفی زناشویی مراجعه کننده به اورژانس اجتماعی شهرستان میبدکه به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند، انجام شد. از مقیاس‌های بخشش در خانواده و خرده مقیاس عملکرد کلی خانواده مقیاس سنجش خانواده مک‌مستر در طی مراحل خط پایه، درمان و پیگیری استفاده شد. مداخله طی ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به صورت فردی به شرکت‌کنندگان ارائه شد و سنجش در چهار مرحله خط پایه، چهار مرحله درمان و دو مرحله پیگیری انجام شد. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل نموداری، تعیین درصد بهبودی و شاخص تغییر پایا استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که پیشرفت‌های بالینی و آماری معنی‌داری در افزایش بخشش و عملکرد خانواده بعد از درمان به دست آمده است. در مدت دو ماه پیگیری نیز پیشرفت‌های به دست آمده در طول درمان حفظ شده بود که بیانگر پایداری اثرات درمان بود. با توجه به نتایج به دست آمده، حمایتی از تأثیر درمان وجودی بر افزایش حس بخشش زناشویی و عملکرد خانواده در زنان آسیب‌دیده از خیانت عاطفی زناشویی فراهم شد.

واژه‌های کلیدی: درمان وجودی، بخشش زناشویی، عملکرد خانواده، خیانت

۱. دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه اردکان، y.rezapour@ardakan.ac.ir

۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه اردکان، (نویسنده مسئول)، hamidaryanpour@ardakan.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اردکان

۴. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، سازمان بهزیستی

مقدمه

زندگی مشترک نه تنها برای تأمین نیازهای فیزیکی، اقتصادی و تداوم نسل است، بلکه یک حس مشارکت و درک برای گسترش نگرش و دسترسی به فرصت‌های بیشتر است (Campbell, 2003). ازدواج فرصت رشد عاطفی بین دو فرد فراهم می‌کند. اما یکی از چالش‌هایی که بسیاری از زوج‌ها با آن روبه رو هستند، فریبکاری در رابطه است و بزرگترین عمل فریبکارانه، وقوع خیانت است . خیانت در زندگی زناشویی یک مسئله تکان دهنده برای زوجین و خانواده‌ها و یک پدیده مشترک و شایع برای درمانگران خانواده و ازدواج است و باعث سردرگمی قابل توجهی در افراد درگیر می‌شود (Teymouri, Mojtabaei, & Rezazadeh, 2020). زمانی می‌توان گفت خیانت اتفاق افتاده که یک طرف معتقد باشد شریک زندگی‌اش به طور آگاهانه از هنجارهای رابطه تخطی کرده و باعث آسیب رساندن به او شده است. در خیانت و بی وفایی، عشق و محبتی که قاعدتاً باید صرف همسر شود، به فرد دیگری عرضه می شود (Zaal, Arab, & Moharer, 2020). خیانت زناشویی تهدیدی برای ازدواج و خانواده است زیرا منجر به تخریب اخلاقی، عدم اعتماد و احترام به همسر درگیر در این عمل می‌شود (Asadu & Egbuche, 2020). خیانت می‌تواند این باورهای مهم در زندگی مشترک را زیر سؤال ببرد. افراد مورد خیانت واقع شده دیگر نمی‌توانند خود را در تعاملات روزانه و آمادگی برای وقایع آینده هدایت کنند و احساس عدم قدرت و ناتوانی می‌کنند (Gordon, 2003).

یکی از جنبه‌های مهمی که تحت تأثیر خیانت قرار می‌گیرد عملکرد خانواده است. خانواده بنیادی است که عملکرد ویژه‌ای در هر نسل دارد و این عملکرد به ویژه در تعاملات مهم است. در خانواده معیار مؤثر بودن اعضا کمبود استرس، درگیری و مشکل نیست، بلکه میزان توانایی انجام وظایف و عملکرد است (Abbasi Asfajir & Ramezani, 2017; Nasr Esfshsni, Etemadi, & Shafie Abadi, 2012). به بیان فرهمند و رضوانی (Farahmand & Rezvani, 2019) خانواده‌های تک همسر عملکرد بهتری از خانواده‌های چند همسری داشتند و بین متغیر ساختار خانواده و عملکرد خانواده رابطه معناداری وجود داشت. ناکارآمدی عملکردهای خانوادگی می‌تواند منجر به آسیب در زوجین شود (Ebadatpour, Navabinejad, Shafiabadi, Falsafinejad, & Models, 2014). تحقیقات نشان داد عملکرد خانوادگی زوجینی که دچار بحران زناشویی و طلاق شده‌اند کمتر از حد معمول بود(Tsapelas, Aron, & Orbuch, 2009). وقتی رابطه زناشویی دچار مشکلی مانند خیانت می‌شود عملکرد مناسب خانواده کاهش یافته و خانواده کارکرد خودش را ازدست می‌دهد.

از طرفی با وجود اینکه در خیانت، ذهن و توجه فرد خیانتکار به رابطه فرازناشویی جلب می‌شود، اما لزوماً تمایلی به جدایی و طلاق از همسر ندارد(Zaal, Arab, & Moharer, 2020)؛ بنابراین، همسر خیانت دیده دارای دو گزینه است: از رابطه خارج شود یا همسر خاطی را ببخشد. اگر قصد حفظ و اصلاح رابطه باشد، بخشش معمولاً بهترین مسیر است(Karremans & Van Lange, 2004; Wohl et al., 2006). بخشودگی کمال مطلوب برای زوج‌های متأثر از خیانت است. چه زوجین تصمیم بگیرند با هم بمانند و چه این که به رابطه‌شان خاتمه دهند، بخشودگی می‌تواند سلامتی جسمی و عاطفی معناداری را برای آن‌ها به همراه داشته باشد (Morsali, Mootabi, & Sadeghi, 2018). مطالعات مربوط به بخشش و کیفیت زناشویی نشان داده در میان زوج‌های متأهل، بخشش با کیفیت بالای زندگی زناشویی همراه و عدم بخشش با کیفیت پایین زندگی زناشویی و اجتناب از شریک و انتقام همراه بوده است (Stafford, David, & McPherson, 2014). همچنین نتایج نشان داد که بخشش پیش بینی کننده قابل توجهی برای رضایت زناشویی در بین زوجین بود(Shamsi & Asad, 2021). واضح است که خیانت یکی از شدیدترین اشتباهاتی است که یک نفر در حق همسری مرتکب می‌شود و به خاطر شدت زیاد آسیب و نحوه‌ی حرکت افراد در مسیر دشوار روابط متقابل، مسلماً بخشش خیانت یک مسئله‌ی سخت در روابط زناشویی است (Bendixen et al., 2018; Squires, 2014). اما تصمیم به حل خیانت با رفتارهای مرتبط با بخشایش آمیخته شده است. زوجین دارای سطح بخشش زناشویی بالا ممکن است درد تجربیات ناگوار زندگی زناشویی را احساس کنند، اما از افسردگی در مورد وضعیت‌های ذهنی منفی، مجازات خود برای گناهان واقعی یا درک شده، انزوا و تنهایی پرهیز می‌کنند(Sbarra, Smith, & Mehl, 2012).

برای کمک به ایجاد بخشش و افزایش عملکرد مناسب خانواده در بحران‌هایی نظیر خیانت، می‌توان آموزش‌های لازم را برای کاهش آسیب به کار گرفت که یکی از شیوه‌های درمانی، درمان وجودی است. درمان وجودی یک رویکرد عمیق به زندگی و درمان است که بر نگرانی‌هایی که در درون هر فرد وجود دارد متمرکز است. درمان وجودی به فرد برای حرکت در راستای شگفت‌انگیز بودن ذات انسان کمک می‌کند. در این درمان، مشکلات به عنوان یک پازل دیده می‌شود که افراد درمانجو برای حلش با کمک درمانگر تلاش می‌کنند (Watter, 2018). رویکرد وجودی در درمان زناشویی و خانوادگی، دارای سه جنبه‌ی معناست: معنا در زندگی زناشویی و خانوادگی، اراده برای خلق معنا و آزادی اراده (Frankl, 1969; Lantz, 1993, 1995).

رویکرد وجودی این دیدگاه را ارائه می‌دهد که زندگی خانوادگی شامل معانی متعدد و معانی بالقوه است و این معانی و پتانسیل‌های معنایی ممکن است به آگاهی برسد و به عملکردی که برای هر زوج، خانواده

و یا اعضای خانواده منحصر به فرد است، به کار گرفته شود (Frankl, 1959, 1969). در دیدگاه فرانکل(Frankl, 1969)، اراده به معنا، دلیل اصلی یا انگیزه‌ی اصلی برای عملکرد زناشویی و خانوادگی است. این پویایی انگیزشی خانواده در همه خانواده‌ها، فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و در همه شرایط زندگی خانوادگی یافت می‌شود و همه خانواده‌ها آزادی اراده برای پیدا کردن، کشف و به روز کردن عملکردشان را دارند (Frankl, 1955; Kalantarkousheh et al., 2011; Lantz, 2004). از نظر وجودی، اعضای یک خانواده تمایل دارند احساس معنی و هدف در زندگی شان را کشف و تجربه کنند و در نتیجه عملکردشان را بهبود ببخشند. از آنجایی که زندگی مشترک متعادل به معنای داشتن آگاهی کامل از آزادی‌های فردی و خانوادگی، مسئولیت‌ها، انتخاب‌ها و تأثیر آن بر دیگران است (Saunders, 2015). رویکرد درمانی وجودی و معنادرمانی کمک به پذیرش وجود نقطه ضعف در خود و دیگران و افزایش آگاهی از موفقیت‌ها و شکست‌ها (Charny, 1986; Şanlı & Ersanli, 2020) می‌تواند بستر مناسبی برای بخشودگی زناشویی و همین طور بهبود عملکرد خانواده‌ی دچار خیانت فراهم کند.

در درمان وجودی، گذشت و بخشودگی رها کردن یا انحطاط نیست، بلکه به این معنی است که فرد یاد بگیرد چگونه می‌توان اتفاقات زندگی را تغییر و معنای جدیدی در آن بیابد(Steger & Shin, 2010; Vehling et al., 2011). نتایج پژوهش عبدخدایی که به درمان وجودی به صورت روان درمانی گروهی بر رضایت زناشویی در زنان پرداخت، نشان داد تفاوت آماری معنی داری بین قبل و بعد از درمان وجود داشته و نتایج پیگیری نشان داد رضایت زناشویی در درمان وجودی از طریق بهبود نگرش به زندگی رخ می‌دهد(Abdekhodaie, 2021).در درمان وجودی مداخله و تمریناتی انجام می‌شود که بخشودگی را تسهیل کرده و موجب پدید آمدن عملکرد مناسب‌تر در خانواده می‌گردد. این مداخلات به صورت بررسی رویدادهای آسیب‌دیده را به طور دقیق، نرمال کردن اتفاق ناگوار، قبول محدودیت‌ها و ضعف‌های خود، تمرین دادن قدردانی و بخشش، مراقبه ذهن، دعا و نوشتن انجام می‌شود (Wong, 2010).

با توجه به آنکه پیچیدگی روابط صمیمی و اثرات خیانت بر روی آن، ضرورتی را ایجاد کرده که درمانگران از منظرهای مختلف به این مسئله توجه کنند (Karimi, Yousefi, & Soleymani, 2020). یافتن راه حل برای تداوم زندگی و تلاش برای کاهش میزان آسیب‌دیدگی ناشی از خیانت در زنان، می‌تواند از گام‌های مؤثر درمانگران در این بخش باشد. این پژوهش با در نظر گرفتن اهمیت موضوع به دنبال بررسی تأثیر درمان وجودی بر بخشش زناشویی و برعملکرد خانواده در بین زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی است.

روش

پژوهش حاضر از نوع مطالعهٔ تجربی تک موردی بود. جامعهٔ آماری زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی مراجعه کننده به بهزیستی شهرستان میبد در سال ۱۳۹۷ بود که تعداد آن‌ها به ۸۶ نفر می‌رسید. از جامعهٔ آماری، ۴ نفر به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل: خیانت عاطفی همسر، گذشت حداقل ۲ سال از ازدواج، آگاهی خود و همسر از خیانت، داشتن حداقل تحصیلات دیپلم و ملاک‌های خروج داشتن سابقهٔ بیماری خاص روانی، تجربه بیش از یک خیانت همسر، خیانت متقابل خودِ آزمودنی و دریافت درمان‌های روانشناختی دیگر بود. ابتدا از شرکت‌کنندگان مصاحبه به عمل آمد و ضمن تشخیص دارا بودن ملاک‌های شرکت در پژوهش، اهداف پژوهش برای آنها توضیح و رضایت آن‌ها برای شرکت در پژوهش جلب شد. هر چهار شرکت‌کننده همزمان وارد مرحله خط پایه شدند. برای کنترل متغیرهای مداخه‌گر چهار آزمودنی به طور تصادفی از نظر ترتیب ورود به فاصله یک جلسه وارد طرح درمان شدند. بدین ترتیب که مراجع اول بعد از یک خط پایه وارد مرحله درمان شد و مراجع دوم نیز پس از دو جلسه خط پایه، در جلسه اول مراجع اول، وارد مرحله درمان شد. به همین ترتیب مراجع سوم و چهارم هم وارد مرحله درمان شدند. درمان به صورت فردی و جداگانه برای هر چهار مراجع انجام شد. آزمودنی‌ها طی ۸ جلسه با مداخلهٔ وجودی تحت درمان قرار گرفتند. علاوه بر مراحل خط پایه، متغیرهای وابسته در شرکت-کنندگان در جلسات دوم، چهارم، ششم و هشتم درمان و در دو مرحله دو هفته و دو ماهه پس از درمان مورد سنجش قرار گرفت.

مداخله

درمان وجودی در این مطالعه از محتوای (Charny, 1992) اخذ گردیده است. این طرح درمان در مداخله طی ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به صورت فردی به شرکت‌کنندگان ارائه شد.

جدول ۱. محتوای جلسات درمان وجودی

شرح جلسه	هدف جلسه	تکنیک‌های به کار گرفته شده
جلسهٔ اول: پذیرش و خوشامدگویی، بیان اهداف و آشنایی اعضا و بیان اهداف و نحوه کار	معارفه و آشنایی با گروه و بیان قوانین	استفاده از فن "من چه کسی هستم؟"
جلسه دوم: تشریح مفهوم خودآگاهی و بیان مفهوم اضطراب‌های وجودی، درک فرایندهای ناخودآگاه، بازگرداندن احساس کنترل بر زندگی که توسط رویداد آسیب‌زا از بین رفته	افزایش خودآگاهی	به چالش کشیدن پاسخ اعضاء به سؤال" من چه کسی هستم؟"

جلسه سوم: پرداختن به تکالیف جلسه قبل، بیان و بازخورد اعضاء راجع به تجربیات فقدان، معنا بخشیدن و کنار آمدن با پوچی زندگی و آموزش تصویرسازی ارتباطی به زنان، جداسازی روابط زناشویی از تأثیرات گذشته و در نهایت آموزش بخشودگی و پذیرش آن نه انکار و تحریف	پرداختن به نگرش زندگی و آگاهی از کیفیت بهره بری از آن	اجرای فن" خط زندگی"
جلسه چهارم: بررسی مفهوم احساس تنهایی، رویارویی با تنهایی و تشریح آن، آموزش برخورد فعالانه و شجاعانه و بدون ترس با احساس تنهایی وجودی، بحث درباره تعاملات سالم و ارتباطات درست	بحث درباره تنهایی	بررسی پاسخ اعضاء به سؤال‌های "آیا من انسان تنهایی هستم؟ "و "آیا تنهایی رنج‌آور است؟"
جلسه پنجم: ۱. بررسی راهکارهای وجودی کنار آمدن و بخشودگی خود و خیانت همسر ۲. تشریح هدفمندی و مسئولیت و آزادی در زندگی بررسی رویدادهای آسیب زا، شناختن خیانت، درک و در نظر گرفتن برخی از اهداف دراین تجربه قبول محدودیت‌ها و ضعف‌های خود، تمرین قدردانی و بخشش، مراقبه ذهن، دعا و نوشتن مجدد	۱. بحث درباره راهکارهای وجودی ۲. بحث درباره آزادی	مواجهه تجسمی اعضاء با خیانت و جای طرف مقابل گذاشتن بررسی تجارب اعضا در مورد موقعیت‌های چالش برانگیز آزادی
جلسه ششم: بررسی راهکارهای معنا بخشیدن به زندگی و کنار آمدن با پوچی زندگی آشنایی با مفاهیم آن مثل آزادی اراده، اراده معطوف به معنا و معنای زندگی، بررسی اینکه داشتن یک رابطه معنادار ممکن است، هر یک از زوجین را به سمت احترام متقابل و عمیق تر نسبت به یکدیگر برانگیزاند	پرداختن به معنای زندگی و یافتن معنا در رنج	بررسی پاسخ اعضا به سؤالهای "آیا زندگی دارای هدف و معنا است؟ "و" من برای چه زندگی می‌کنم؟"
جلسه هفتم: جمع‌بندی مطالب قبلی و ارتباط مفاهیم خودآگاهی، تنهایی، مرگ، هدفمندی و معنا در زندگی و کنار آمدن با رنج‌های زندگی، بیرون آوردن معانی پوشیده و بالقوه از طریق تفکر تا معنایی در وجودشان به عنوان یک گروه همبسته یافته و به کاربردن در عملکردشان در خانواده خود	پرداختن به احساسات یک فرد و مسئولیت آن	استفاده از تکنیک تصویرسازی ذهنی، جهت تصور موقعیت‌های موفقیت‌آمیز یا شکست‌آور خود
جلسه هشتم: جمع‌بندی مطالب قبلی و ارتباط مفاهیم خودآگاهی، تنهایی، مرگ، هدفمندی و معنا در زندگی و کنار آمدن و بخشودگی خود و همسر	جمع‌بندی و خاتمه	

ابزارها

مقیاس بخشش خانواده: متن اصلی این مقیاس در سال ۱۹۹۸ توسط پولارد، اندرسن، اندرسون و جنینگ (Pollard, Anderson, Anderson, & Jennings) برای غربالگری و سنجش بخشش در خانواده‌ها طراحی شده است. فرم اصلی این مقیاس شامل ۴۰ عبارت است که ۲۰ عبارت آن مربوط به بخشش در خانواده اصلی و ۲۰ عبارت مربوط به بخشش در خانواده هسته‌ای (زوجین) است. نمره‌گذاری در یک طیف ۴ درجه‌ای لیکرت (اصلاً این‌طور نیست، به ندرت همین‌طور است، اغلب اوقات همین‌طور است ، تقریباً همیشه همین‌طور است) انجام می‌شود و نمرات پایین نشان‌دهنده فقدان بخشش و نمرات بالا حاکی از وجود بخشش در خانواده است. این مقیاس مشتمل بر پنج خرده مقیاس است که عبارتند از: واقع بینی، تصدیق، جبران عمل، دلجویی کردن، احساس بهبودی یا سبکبالی. روایی همگرایی را بین این مقیاس و مقیاس اخلاق رابطه‌ای بدست آوردند(Pollard, Anderson, Anderson, & Jennings, 1998). در پژوهش سیف و بهاری(Seif & Bahari, 2001) آلفای کرونباخ نمره کل این مقیاس ۰/۸۴ بدست آمد. در این پژوهش فقط بخش مربوط به خانواده هسته‌ای (همسران) این مقیاس با توجه به نوع نمونه، مورد استفاده قرار گرفت. همچنین در پژوهش حاضر پایایی بازآزمون این مقیاس در نمونه ۱۵ نفری از زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی ۰/۸۹ و انحراف معیار آن ۷/۵۶ به دست آمد.

پرسشنامه عملکرد خانواده (FAD)[1]: این پرسشنامه به وسیله‌ی اپشتین، بالدیون و بیشاپ(Epstein, Baldwin, & Bishop, 1983) به منظور سنجش عملکرد خانواده بر پایه مدل مک مستر طراحی شده است. پرسشنامه دارای ۶۰ گویه است که شش بعد از عملکرد خانواده شامل حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیختگی عاطفی و کنترل رفتار به همراه یک خرده مقیاس کارکرد کلی خانواده را در بر می‌گیرد. نمره‌گذاری در یک طیف ۴ درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم انجام می‌شود. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی در نسخه فارسی این پرسشنامه، نشان داد که بارهای عاملی ۷ بعد این مقیاس معنی‌دار است و ساختار عاملی آن تأیید شد (Yoosefi, 2012). روایی همگرا و واگرای این پرسشنامه با همبسته کردن آن با پرسشنامۀ الگوهای ارتباطی، منبع کنترل، خرده‌مقیاس‌های واکنش عاطفی و امتزاج با دیگران به ترتیب ۰/۴۶، ۰/۳۶، ۰/۴۱- و ۰/۴۳- به دست آمد که معنی‌دار بود. آلفای کرونباخ نمره کلی مقیاس نیز ۰/۸۳ به دست آمد(Yoosefi, 2012). در پژوهش حاضر پایایی بازآزمون این مقیاس در نمونه ۱۵ نفری از

1. Family Assessment Device

زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی ۰/۸۷ و انحراف معیار آن ۴/۹۳ به دست آمد. لازم به ذکر است که در این پژوهش، به علت طولانی بودن این مقیاس، فقط از خرده مقیاس عملکرد کلی خانواده که مابقی خرده مقیاس‌ها را نیز در بر می‌گرفت استفاده شد.

روش تحلیل

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل نموداری استفاده شد. در این روش فراز و فرود متغیر وابسته، پایه داوری در مورد میزان تغییر به شمار می رود. علاوه بر تحلیل نموداری، از درصد بهبودی نیز برای بررسی معناداری بالینی تغییرات استفاده شد (Ogles, Lunnen, & Bonesteel, 2001). از فرمول زیر برای محاسبه درصد بهبودی استفاده شد: $\Delta A\% = (A0 - A1) / A0$

$\Delta A\%$: میزان بهبود، A0: مشکل آماجی در جلسه اول، A1: مشکل آماجی در جلسه آخر.

همچنین از شاخص تغییر پایا (RCI)[1] با فرمول اصلاح شده برای سنجش معنی‌داری تغییرات بالینی استفاده شد (Jacobson & Truax, 1992). برای محاسبه این شاخص، نمره پس از درمان یا پیگیری از نمره قبل از درمان کسر و بر خطای استاندارد تفاوت‌ها (Sdif) تقسیم می‌شود. اگر نتیجه حاصل بزرگتر از ۱/۹۶ باشد، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد تغییر حاصل شده را معنی‌دار دانست.

یافته‌ها

هر چهار زن شرکت کننده در پژوهش دارای ۱ فرزند بودند. سن آزمودنی اول ۲۳/۵، آزمودنی دوم ۲۱، آزمودنی سوم ۲۳ و آزمودنی چهارم ۲۷ بود. سن همسر آن‌ها به ترتیب ۲۷، ۲۷، ۳۰ و ۲۶ بود. سطح تحصیلات آزمودنی اول و چهارم دیپلم، و آزمودنی دوم و سوم لیسانس بود. هر چهار همسر آزمودنی‌ها تحصیلات لیسانس داشتند.

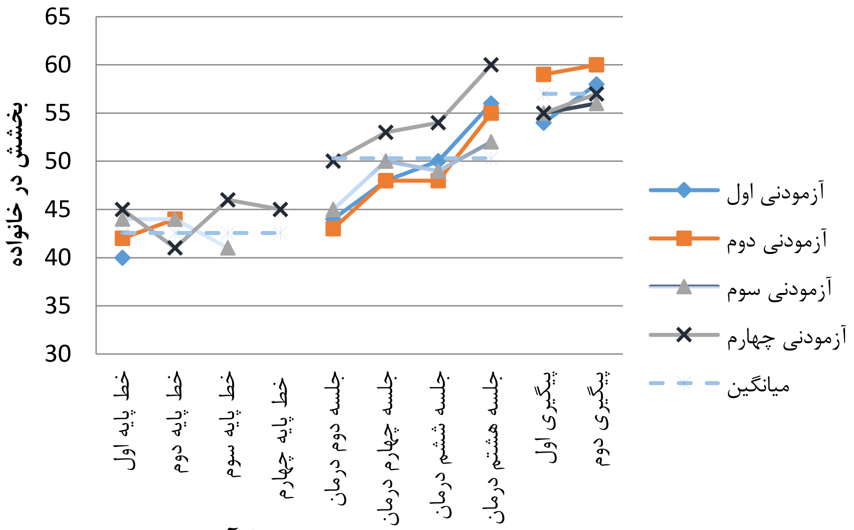
جدول ۲: درصد بهبودی و شاخص تغییر پایا در بخشش

مراحل آزمون	آزمودنی اول	آزمودنی دوم	آزمودنی سوم	آزمودنی چهارم
خط پایه اول	۴۰	۴۲	۴۴	۴۵
خط پایه دوم	--	۴۴	۴۴	۴۱
خط پایه سوم	--	--	۴۱	۴۶
خط پایه چهارم	--	--	--	۴۵
میانگین مرحله خط پایه	۴۰	۴۳	۴۳	۴۴/۲۵

1. Reliable Change Index

جلسه دوم درمان	۴۴	۴۳	۴۵	۵۰
جلسه چهارم درمان	۴۸	۴۸	۵۰	۵۳
جلسه ششم درمان	۵۰	۴۸	۴۹	۵۴
جلسه هشتم درمان	۵۶	۵۵	۵۲	۶۰
شاخص تغییر پایا	۴/۵۱	۳/۳۸	۲/۵۳	۴/۴۴
درصد بهبودی	۴۰	۲۸	۲۱	۳۵/۶
درصد بهبودی کلی	۳۱/۱۵			
پیگیری دو هفته‌ای	۵۴	۵۹	۵۵	۵۵
پیگیری دوماهه	۵۸	۶۰	۵۶	۵۷
میانگین مرحله پیگیری	۵۶	۵۹/۵	۵۵/۵	۵۶
شاخص تغییر پایا	۴/۵۱	۴/۶۵	۳/۵۲	۳/۳۱
درصد بهبودی	۴۰	۳۸/۴	۲۹/۱	۲۶/۵۵
درصد بهبودی کلی	۳۳/۵۱			

فرضیه اول این پژوهش بررسی تأثیر درمان وجودی بر بخشش در خانواده زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی بود. در جدول ۲، روند تغییر نمره‌های هر چهار شرکت‌کننده پژوهش در مراحل خط پایه، درمان و بهبودی در مقیاس در خانواده آورده شده است. شاخص تغییر پایا با محاسبه تفاوت میانگین مراحل درمان و خط پایه در متغیر بخشش در خانواده در هر چهار آزمودنی بالای $Z=1/96$ است که نشان می‌دهد با اطمینان ۹۵ درصد، درمان وجودی منجر به افزایش بخشش در خانواده در هر چهار شرکت‌کننده تحقیق شده است و فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. شاخص تغییر پایا با محاسبه تفاوت نمرات میانگین مرحله پیگیری و خط پایه نشان می‌دهد که تغییر در بخشش در خانواده در شرکت‌کنندگان پایدار باقی مانده است. درصد کلی در مرحله پایان درمان بالای ۳۱ درصد و پایان پیگیری دو ماهه بالای ۳۳ درصد است که نشان می‌دهد درمان وجودی تأثیر زیادی بر روند تفاوت در متغیر بخشش در خانواده در شرکت‌کنندگان گذاشته است.



نمودار ۱. روند تغییرات بخشش در خانواده در فرآیند درمان و پیگیری

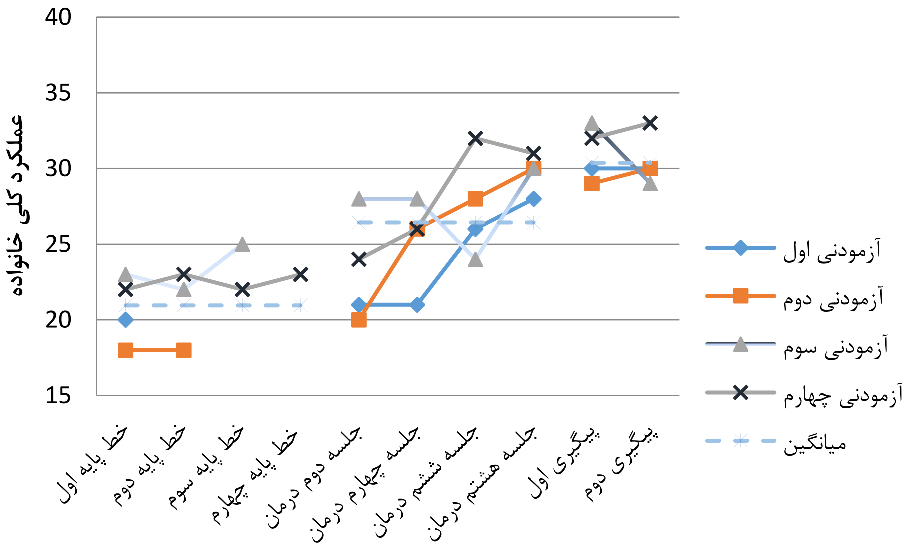
روند تغییرات بخشش در خانواده طی مراحل خط پایه، درمان و پیگیری در نمودار ۱ نیز آورده شده است. همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود در غیاب مداخله درمانی در مرحله خط پایه، در هر چهار شرکت‌کننده تغییری زیادی در نمرات بخشش در خانواده دیده نمی‌شود که نشان دهنده وضعیت پایدار این متغیرها در آزمودنی‌ها قبل از درمان است. اما بعد از ارائه درمان، شاهد یک روند صعودی تدریجی در متغیر در هر چهار آزمودنی هستیم. در مرحله خط پایه نیز افزایش نمره حفظ شده است.

جدول ۳. درصد بهبودی و شاخص تغییر پایا در عملکرد کلی خانواده

مراحل آزمون	آزمودنی اول	آزمودنی دوم	آزمودنی سوم	آزمودنی چهارم
خط پایه اول	۲۰	۱۸	۲۳	۲۲
خط پایه دوم	--	۱۸	۲۲	۲۳
خط پایه سوم	--	--	۲۵	۲۲
خط پایه چهارم	--	--	--	۲۳
میانگین مرحله خط پایه	۲۰	۱۸	۲۳/۳۳	۲۲/۵
جلسه دوم درمان	۲۱	۲۰	۲۸	۲۴
جلسه چهارم درمان	۲۱	۲۶	۲۸	۲۶
جلسه ششم درمان	۲۶	۲۸	۲۴	۳۲
جلسه هشتم درمان	۲۸	۳۰	۳۰	۳۱

شاخص تغییر پایا	۳/۱۷	۴/۷۶	۲/۶۵	۳/۳۳
درصد بهبودی	۴۰	۶۶/۷	۲۸/۶	۳۷/۸
درصد بهبودی کلی	۴۳/۲۷			
پیگیری دو هفته‌ای	۳۰	۲۹	۳۳	۳۲
پیگیری دوماهه	۳۰	۳۰	۲۹	۳۳
میانگین مرحله پیگیری	۳۰	۲۹/۵	۳۱	۳۱
شاخص تغییر پایا	۳/۹۲	۴/۵۱	۳/۰۱	۳۳/۳۳
درصد بهبودی	۵۰	۶۳/۹	۳۲/۹	۳۷/۸
درصد بهبودی کلی	۴۶/۱۵			

برای آزمون فرضیه دوم این پژوهش مبنی بر تأثیر درمان وجودی بر عملکرد خانواده زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی از روند تغییرات و شاخص تغییر پایا استفاده شد (جدول ۳). به مانند فرضیه اول، مقدار شاخص تغییرات در اینجا نیز هم در مرحله درمان و هم در مرحله پیگیری بالاتر از Z=۱/۹۶ است که نشان می‌دهد درمان وجودی بر عملکرد خانواده زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی تأثیر معنی‌داری داشته است و این فرضیه نیز تأیید می‌شود. روند تغییرات در عملکرد خانواده بیشتر از بخشش در خانواده بود و در مرحله درمان بالای ۴۳ درصد و در مرحله پیگیری بالای ۴۶ درصد تغییر دیده می‌شود.



نمودار ۲. روند تغییرات عملکرد کلی خانواده در فرآیند درمان و پیگیری

در نمودار ۲ نیز روند تغییرات نمره عملکرد کلی خانواده در هر ۴ شرکت‌کننده پژوهش دیده می‌شود. در این نمودار نیز شاهد یکسان بودن تغییرات در مرحله خط پایه، سپس افزایش تدریجی نمرات در مرحله درمان و پایدار ماندن نمرات در مرحله پیگیری هستیم که نشان می‌دهد درمان وجودی منجر به بهبود عملکرد خانواده در زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی شده است.

نتیجه

یافته‌های پژوهش نشان داد که درمان وجودی می‌تواند منجر به افزایش بخشش زناشویی در بین زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی شود. این یافته با تحقیقات قبلی عبد خدایی، کلانترکوشه و همکاران، لانتز، ساندرز و واتر (Abdekhodaie, 2021; Kalantarkousheh et al., 2011; J. Lantz, 1993; Saunders, 2015; Watter, 2018) همسو است. درمان وجودی شامل شناختن خیانت، درک و در نظر گرفتن برخی از اهداف در این تجربه بخش بزرگی از موفقیت در بازسازی روابط شکست خورده و پیش رفتن به سوی بخشش است و همچنین یافتن معنا بعد از خیانت، جزء مهمی از فرآیند بخشندگی و بهبود عملکرد خانواده است (Gordon et al., 2005, 2004; Rusbult et al., 2007).

براساس پژوهش‌های گذشته، بخشش زناشویی با بسیاری از پیامدهای مثبت برای هر فرد از جمله با رضایت از زندگی (Brown et al., 2005) و افزایش صمیمیت و رضایت از رابطه (Paleari et al., 2005; Ysseldyk & Wohl, 2012)در ارتباط است. می‌توان گفت هنگامی که افراد در یک تجربه خیانت، به هدف یا درک درستی دست می‌یابند، سطح بالاتری از بخشش اتفاق می‌افتد (Squires, 2014). در جلسات درمانی در این پژوهش سعی شد که با معنا بخشیدن و کنار آمدن با پوچی زندگی و آموزش تصویرسازی ارتباطی به زنان کمک شود تا با درک فرآیندهای ناخودآگاه خود، مهارت‌هایی را برای التیام زخم‌های گذشته و جداسازی روابط زناشویی از تأثیرات گذشته به دست آورند. بنا بر یافته‌های این پژوهش می توان گفت وقتی فرد رابطه‌ی زناشویی را پس از درگیری خیانت، بازسازی و برای پیدا کردن معنا در این رویداد کار می‌کند، بهتر می‌تواند شریک زندگی خود را ببخشد. همچنین تحقیقات پیشین، پیدا کردن معنی در یک رویداد آسیب‌زا را از طریق یک روند ارزیابی حادثه و ارزش‌گذاری مجدد برای قربانی و زندگی مشترک آن‌ها مؤثر می‌داند (Park, 2010; Park & Folkman, 1997). به طور خاص، معنا ساختن شاید بتواند انگیزه‌ها و رفتارهای حفظ کننده را تسهیل کند (Şanlı & Ersanli, 2020). این فرایند می‌تواند شامل بازگرداندن احساس از دست رفته‌ی کنترل بر زندگی نیز باشد. (Janoff-Bulman & McPherson Frantz, 1997).

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که درمان وجودی بر بهبود عملکرد خانوادگی در زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی نیز مؤثر بود. این نتیجه با پژوهش‌های پیشین کلانترکوشه و همکاران، نصراصفهانی و همکاران و ساندرز (Kalantarkousheh et al., 2011; Nasr Esfshsni et al., 2012; Saunders, 2015) همسو بود. خانواده درمانی وجودی یک موقعیت زندگی ساختارمند است که برای مطالعه و درمان روابط تداخل یافته، معنا و حل مسئله در زندگی زناشویی و خانوادگی ایجاد شده است (Lantz, 1999). عملکرد درست خانواده در هنگام مشکلات نیاز به (۱) شناسایی و ارزیابی بحران خانواده، حال و گذشته، (۲) تعیین سطح عملکرد خانواده، و (۳) تعیین منابع خانواده با ارزیابی منابع خانواده دارد. در این شرایط، کمک به خانواده برای بهبود ارتباطات و شناسایی منابع مورد نیاز برای حل بحران می تواند مؤثر واقع شود (Ebadatpour et al., 2014; Smilkstein, 1978). درمان وجودی فرض می‌کند که افراد برای درک مشکلات زندگی و ساختن و ایجاد ارزش زندگی در بدترین حالت دارای ظرفیت نامحدود هستند؛ هیچ ناامیدی وجود ندارد و اگرچه مراحل بهبودی می‌تواند طولانی و دلهره‌آور باشد و مثل یک نبرد سخت می‌ماند، اما مبارزه هرگز بیهوده نیست. وجود درمانی تأیید می‌کند که مبارزه ما را بهتر و قوی‌تر می‌کند و همیشه امید برای ایجاد تغییرات مثبت وجود دارد (Frankl, 1955). تأکید اصلی وجود درمانی بر کمک به زوجین جهت یافتن معنایی از زندگی مشترکشان می‌باشد و اعتقاد بر این است که معنا و تعامل خانواده ارتباط نزدیک و عملکرد متقابل با هم دارند (Lantz, 2004). بسیاری از مشکلات و نشانگان خانوادگی هنگامی رخ می دهند که خانواده به کشف، تجزیه و یا استفاده از معانی و معانی بالقوه در زندگی خانوادگی نمی‌پردازد. در فرآیند جستجوی خانواده برای معنا، درمانگر به بیرون آوردن معانی پوشیده و بالقوه از طریق تفکر کمک کرده و سپس به خانواده کمک می‌شود تا به عنوان یک گروه، معنای وجودی‌شان را یافته و در عملکرد خود به کار برند (Lantz, 2006). معنا می‌تواند تعامل سالم را در خانواده تحریک کند و تعاملات سالم نیز آگاهی بیشتر از معنایابی را در پی دارد (Nasr Esfshsni et al., 2012). عدم آگاهی در مورد معنا در خانواده، می‌تواند تعامل ناسالم را تحریک کند، در عوض تعامل سالم اعضا، می‌تواند به آگاهی بیشتر آن‌ها از معانی در خانواده کمک نماید (Lantz, 2000).

درمان وجودی افراد را به گرفتن تصمیمات سازگارانه و مؤثر تشویق کرده و از افرادی حمایت می‌کند که انتخاب‌های خود را در ارتباط با ارزش‌های‌شان آزموده و بر ارزش‌های رفتاری تمرکز می‌نمایند(Schulenberg & Henrion, 2005). یافتن معنا برای عملکرد مطلوب خانوادگی و انسجام در مواجهه با عدم اطمینان، هرج و مرج و پوچی مهم است. هنگامی که نقش‌ها درون خانواده به درستی ایفا شود،

خانواده در هنگام آسیب انسجام خود را حفظ کرده و اعضا در تعامل با یکدیگر مناسب‌ترین عملکرد را برمی‌گزینند.

از مجموع مباحث می‌توان نتیجه گرفت که درمان وجودی بخشش زناشویی که از شرایط لازم زندگی و ایجاد روابط سالم به شمار می‌رود افزایش می‌دهد و عملکرد خانواده را در شرایط بحرانی بهبود می‌بخشد و در نتیجه روابط منفی را در زوجین کاهش می‌دهد؛ بنابراین، با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود که این شیوه به عنوان یک راهکار مداخله‌ای در کنار تکنیک‌های مداخله‌ای جهت کمک به بازیابی عاطفی افراد آسیب‌دیده از خیانت استفاده شود؛ با این وجود، در این پژوهش، نمونه فقط از بین کسانی که تحت خیانت عاطفی قرار گرفته بودند، انتخاب شد و ممکن است خیانت‌های با درجه شدت بالاتر مانند خیانت‌های جنسی را نتوان با درمان وجودی به مرحله بخشودگی رساند. همچنین در این پژوهش از زنان با سطح تحصیلات و توانایی شناختی بالا استفاده شد؛ بنابراین، ممکن است درمان وجودی به علت مطرح کردن مباحث پیچیده وجودی در افراد با سطح تحصیلات پایین‌تر تأثیر نداشته باشد. برای از بین بردن این ابهامات در پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابهی در مردان، در آزمودنی‌هایی با سطوح تحصیلی متفاوت، و در خیانت‌های جنسی نیز انجام شود.

References

Abbasi Asfajir, A. A., & Ramezani, L. (2017). The relationship between family function and marital satisfaction with marital disaffection of married teachers in Behshahr.*Sociological Studies of Youth*, *8*(24), 9-22. (in Persian)

Abdekhodaie, Z. (2021). Cognitive-Behavioral and Existential Therapies for Marital Satisfaction in Women: A Comparative Investigation of the Efficacy, Stability and Mechanisms of Changes. *Journal of Contemporary Psychotherapy*, *51*(2), 173-179. (in Persian)

Asadu, N., & Egbuche, M. (2020). Effect of Marital Infidelity on the Family: A Perception Study of Ihe/Owerre in Nsukka Local Government Area of Enugu State. *Renaissance University Journal of Management and Social Sciences*, *6(1)*,21-31.

Bahari, F., & Seif, S. . (2004). The relationship between forgiveness and spouses mental health. Journal of Psychological Research. *Journal of Psychological Studies*, *1*(1), 9-18.(in Persian)

Bendixen, M., Kennair, L. E. O., & Grøntvedt, T. (2018). Forgiving the unforgivable: Couples’ forgiveness and expected forgiveness of emotional and sexual infidelity from an error management theory perspective. *Evolutionary Behavioral Sciences*, *12(4)*, 322-352.

Brown, R. P., Phillips, A. J. P., & differences, i. (2005). Letting bygones be bygones: Further evidence for the validity of the Tendency to Forgive scale. *38*(3), 627-638.

Campbell, T. L. (2003). The effectiveness of family interventions for physical disorders. *Journal of Marital family Therapy*, *29*(2), 263-281.

Charny, I. W. (1986). An existential/dialectical model for analyzing marital functioning and interaction. *J Family process, 25*(4), 571-585.

Charny, I. W. (1992). *Existential/dialectical marital therapy: Breaking the secret code of marriage*: Psychology Press.

Ebadatpour, B., Navabinejad, S., Shafiabadi, A., Falsafinejad, M. (2014). The mediating role of family functions for individual tolerance and spiritual beliefs and marital disaffection. *Psychological Methods and Models*, *3*(13), 45-29.(in Persian)

Epstein, N. B., Baldwin, L. M., Bishop, D. S. (1983). The McMaster family assessment device. *Journal of marital and family therapy*, *9*(2), 171-180.

Farahmand, M., & Rezvani, Z. (2019). Structure and family performance in polygamous and monogamy families Journal of Applied Sociology. *30*(3), 135-154. (in Persian)

Folkman, S. (1997). Positive psychological states and coping with severe stress. *Social science & medicine*, *45*(8), 1207-1221.

Frankl, V. (1955). *The doctor and the soul*, New York: Vintage.

Frankl, V. (1959). *From death-camp to existentialism: A psychiatrist's path to a new therapy*: Beacon Press.

Frankl, V. (1969). *The will to meaning*. New York: New American Library.

Goldner-Vukov, M., Moore, L. J., & Cupina, D. (2007). Bipolar disorder: from psychoeducational to existential group therapy. *Australasian Psychiatry*, *15*(1), 30-34.

Gordon, K. C. (2003). Forgiveness and marriage: Preliminary support for a measure based on a model of recovery from a marital betrayal. *J American Journal of Family Therapy, 31*(3), 179-199.

Gordon, K. C., Baucom, D. H., & Snyder, D. K. (2005). Treating couples recovering from infidelity: An integrative approach. *Journal of clinical psychology*, *61*(11), 1393-1405.

Gordon, K. C., Baucom, D. H., & Snyder, D. K. (2004). An integrative intervention for promoting recovery from extramarital affairs. *Journal of marital and family therapy*, *30*(2), 213-231.

Jacobson, N. S., & Truax, P. (1992). Clinical significance: a statistical approach to defining meaningful change in psychotherapy research. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 59(1),*12-19

Janoff-Bulman, R., & McPherson Frantz, C. (1997). The impact of trauma on meaning: From meaningless world to meaningful life. *The transformation of meaning in psychological therapies: Integrating theory and practice*, *1*, 91-106.

Kalantarkousheh, S. M., Hassan, S. A., Kadir, R. A., & Talib, M. A. (2011). Manifestation of existential issues as a brilliant function for quality of matrimony. *Journal of American science*, *7*(5), 459-465.

Karimi, S., Yousefi, R., & Soleymani, M. (2020). Making Marital Infidelity Questionnaire as valid one. *Clinical Psychology and Personality. 17(1),* 237-248. doi:10.22070/cpap.2020.2900(in Persian)

Karremans, J. C., & Van Lange, P. A. (2004). Back to caring after being hurt: The role of forgiveness. *European Journal of Social Psychology*, *34*(2), 207-227.

Kissane, D. W .(2012). The relief of existential suffering. *Archives of internal medicine 172*(19), 1501-1505.

Lantz, J. (1993). *Existential family therapy: Using the concepts of Viktor Frankl*: Jason Aronson.

Lantz, J. (1995). Frankl's concept of time: Existential psychotherapy with couples and families. *Journal of Contemporary Psychotherapy, 25*(2), 135-144.

Lantz, J. (1999). Meaning-centered family therapy: Treatment elements and dynamics. *Journal Families in Society, 80*(3), 221-228.

Lantz, J. (2000). Family logo therapy. *Contemporary Family Therapy, 8(2)*, 124-135.

Lantz, J. (2004). World view concepts in existential family therapy. *J Contemporary Family Therapy, 26*(2), 165-178.

Lantz, J. (2006). Resistance in family logo therapy. *Contemporary Family Therapy, 14(5)*, 405-418.

Morsali, Z., Mootabi, F., & Sadeghi, M. S. (2018). The experience of forgiveness in betrayed women. *Journal of psychologicalscience, 17*(70), 683-694.

Nasr Esfshsni, N., Etemadi, A., & Shafie Abadi, A. A. (2012). The effectiveness of meaning-centered training on family functioning of married women. *Journal Family Counseling Psychotherapy, 2*(2), 209-221. (in Persian)

Ogles, B. M., Lunnen, K. M., & Bonesteel, K. (2001). Clinical significance: History, application, and current practice. *Clinical psychology review, 21*(3), 421-446.

Paleari, F. G., Regalia, C., & Fincham, F. (2005). Marital quality, forgiveness, empathy, and rumination: A longitudinal analysis. *Personality and Social Psychology Bulletin 31*(3), 368-378.

Park, C. L. (2010). Making sense of the meaning literature: an integrative review of meaning making and its effects on adjustment to stressful life events. *Psychological bulletin, 136*(2), 257.

Park, C. L., & Folkman, S. (1997). Meaning in the context of stress and coping. *Review of general psychology, 1*(2), 115-144.

Pollard, M. W., Anderson, R. A., Anderson, W. T., & Jennings, G. (1998). The development of a family forgiveness scale. *Journal of Family Therapy, 20*(1), 95-109.

Rusbult, C. E., Hannon, P. A., Stocker, S. L., & Finkel, E. J. (2007). Forgiveness and Relational Repair. In L. Everett, . Worthington, Jr (Ed.), *Handbook of Forgiveness* (1st Edition ed., pp. 209-230). New York: Routledge.

Şanlı, E., & Ersanli, K. (2020). The effects of psycho-education program based on logotherapy for the development of a healthy sense of identity in emerging adulthoods. *Journal Current Psychology*, 1-16.

Saunders, J. A. (2015). Cognitive-Existential Family Therapy: A Proposed Theoretical Integration Model for Pastoral Counselors. *Journal of Pastoral Care Counseling, 69*(1), 34-39.

Sbarra, D. A., Smith, H. L., & Mehl, M. (2012). When leaving your ex, love yourself: Observational ratings of self-compassion predict the course of emotional recovery following marital separation. *Psychological science, 23*(3), 261-269.

Schulenberg, S., & Henrion, R. (2005). *Logotherapy past, present, and future: A conversation with James C. Crumbaugh.* Paper presented at the The International Forum for Logotherapy.

Seif, S., & Bahari, F. (2001). A study on students' forgiveness and their general health. *J Psychological Studies Quarterly, 1*(1), 9-18.(in Persian)

Shamsi, M. F., & Asad, S. (2021). Emotional Maturity, Forgiveness, and Marital Satisfaction among Dual Earner Couples. *Bahria Journal of Professional Psychology, 20*(1), 01-13.

Smilkstein, G. (1978). The family APGAR: a proposal for a family function test and its use

by physicians. *Journal of Family Practice*, *6*(6), 1231-1239.

Sodani, M., Abbasi, M., Mehr, R. K., & Rajabi, G. R. (2019). An investigation into the effect of cognitive-existential therapy on the rumination of women affected by male infidelity. *NeuroQuantology*, *17*(5), 1-9.

Squires, E. C. (2014). *Moving beyond betrayal: How meaning-making and power promote forgiveness following infidelity.* (Doctoral dissertation, Carleton University).

Stafford, L., David, P., & McPherson, S. (2014). Sanctity of marriage and marital quality. *Journal of Social Personal Relationships ,31*(1), 54-70.

Steger, M. F., & Shin, J. Y. (2010). *The relevance of the Meaning in Life Questionnaire to therapeutic practice:* A look at the initial evidence. *Paper presented at the International Forum for Logotherapy. 33(2)*, 95–104.

Teymouri, Z., Mojtabaei, M., & Rezazadeh, S., M, R. (2020). The Effectiveness of Emotionally Focused Couple Therapy on Emotion Regulation, Anger Rumination, and Marital Intimacy in Women Affected by Spouse Infidelity, *Caspian Journal of Health Research, 5*(4), 78-82. (in Persian)

Tsapelas, I., Aron, A., & Orbuch, T. (2009). Marital boredom now predicts less satisfaction 9 years later. *Psychological Science, 20*(5), 543-545.

Vehling, S., Lehmann, C., Oechsle, K., Bokemeyer, C., Krüll, A., Koch, U., & Mehnert, A. (2011). Global meaning and meaning-related life attitudes: exploring their role in predicting depression, anxiety, and demoralization in cancer patients. *Supportive Care in Cancer*, 19(4), 513-520.

Watter, D. N. (2018). Existential issues in sexual medicine: the relation between death anxiety and hypersexuality. *Journal Sexual medicine reviews, 6*(1), 3-10.

Wohl, M. J., Kuiken, D., & Noels, K. A. (2006). Three ways to forgive: A numerically aided phenomenological study. *British Journal of Social Psychology, 45*(3), 547-561.

Wong, P. T. (2010). Meaning therapy: An integrative and positive existential psychotherapy. *Journal of Contemporary Psychotherapy, 40*(2), 85-93.

Yoosefi, N. (2012). An investigation of the psychometric properties of the mcmaster clinical rating scale (MCRS). *Training Measurement, 3(7)*,83-112. (in Persian)

Ysseldyk, R., & Wohl, M. J. (2012). I forgive therefore I'm committed: A longitudinal examination of commitment after a romantic relationship transgression. *Canadian Journal of Behavioural Science,44(4)*, 257–263.

Zaal, B., Arab, A., & Moharer, G. (2020). The Effectiveness of Forgiveness Training on Attitudes to Infidelity and Trust in Interpersonal Relationships in Women Affected by Marital Infidelity. *Journal of Family Research,16(3)* ,335-357.(in Persian)

Effectiveness of Existential Therapy on Marital Forgiveness and Family Function of Women Affected by Marital Infidelity

[a] Yasser Rezapour Mirsaleh
[a] Hamidreza Aryanpour*
[a] Raziyeh Amini
Tahereh Fallah

[a] Ardakan University

Abstract

Purpose: The purpose of present study was to investigate effectiveness of existential therapy on marital forgiveness and family function of women affected by marital infidelity.

Method: A single-case study design was used and four women affected by marital infidelity were selected through purposeful sampling method. The subjects completed the family forgiveness scale (Pollard & et al, 1998) and the general subscale of McMaster family assessment device (Epstein & et al, 1983) in baseline, treatment, and follow-up stages. The participants individually received 8-session intervention of existential therapy and the assessment was performed in four baseline stages, four treatment stages and two follow-up stages. The data were analyzed using graph analysis, improvement percentile rank and reliable change index.

Findings: The results showed clinically and statistically significant improvements in forgiveness and family functioning after receiving the treatment. After two months of follow-up, the differences were maintained, indicating the sustainability of the therapeutic effects.

Keywords: Existential Therapy, Marital Forgiveness, Family Function, Infidelity

* . hamidaryanpour@ardakan.ac.ir